



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 15 Issue: 37

Winter 2025

Article Type: Research Article

Pages: 1-31

The Approach of the Inter-American Court of Human Rights Regarding Abortion: A Violation of the Right to Life or an Exception to It

Forogh Asadi¹ | Aghil Mohammadi² | Hadi Salehi³

1. Master of International Law, Shiraz University, Iran forooghasadi7@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Shiraz University, Iran
(Corresponding Author) mohammadiaghil10@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Public and International Law, Shiraz University, Iran
salehi.0306@gmail.com

Abstract

*Abortion is recognized as one of the grounds for depriving life, and whether it is permissible or not has been one of the most significant legal challenges to the right to life. This issue has always been a source of serious disagreement among legal scholars and has been controversial at the level of international judicial practice as well. Among these, the approach of the Inter-American Court of Human Rights is noteworthy, particularly in the sense that the confrontation between opponents and proponents of abortion has extended to the Court, effectively turning the issue into a challenge. This article, based on qualitative research and an analysis of the Court's rulings and Article 4 of the American Convention on Human Rights, seeks to answer the question: Does the Court's approach lean toward the permissibility or impermissibility of abortion? The article concludes that the Court does not have a clear stance on recognizing abortion as a violation of the right to life or an exception to it. The Court's perspective up until 2013, particularly based on the case of *Artavia Murillo et al. v. Costa Rica*, due to reasons such as not recognizing the fetus as a person and not protecting it from the moment of conception, on the one hand, and prioritizing the mother's right to life and her right to privacy, on the other, has leaned toward the permissibility of abortion under certain conditions. However, from that year onward, in light of cases such as *Beatriz v. El Salvador* and *Manuela et al. v. El Salvador*, a shift in the Court's approach toward protecting the life of the fetus can be observed; this is reflected in its indirect support for the prohibition of abortion except in cases of medical necessity or danger to the mother's life.*

Keywords: Abortion, Right to Life, Right to Privacy, American Convention on Human Rights, Inter-American Court of Human Rights.

Received: 2024/06/24 Received in revised form: 2024/11/21 Accepted: 2024/12/02 Published: 2024/12/25

DOI: 10.22034/LAW.2025.62245.3396

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir



رویکرد دیوان بین‌المللی حقوق بشر راجع به سقط جنین: نقض حق حیات یا استثنا بر آن

فروغ اسدی^۱، عقیل محمدی^۲، هادی صالحی^۳

forooghasadi7@gmail.com

mohammadiaghil10@yahoo.com

salehi.0306@gmail.com

۱. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شیراز، ایران

۲. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه شیراز، ایران

چکیده

سقط جنین از موجبات سلب حیات شناخته می‌شود که جواز یا عدم جواز آن، از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی حق حیات است. این موضوع در عمل نیز همواره محل اختلاف نظر جدی میان حقوق‌دانان و در سطح رویه قضایی بین‌المللی نیز بحث‌برانگیز بوده است. در این میان، رویکرد دیوان بین‌المللی حقوق بشر قابل توجه است؛ به‌ویژه از این جهت که تقابل میان مخالفان و موافقان سقط جنین به سطح دیوان نیز کشیده شده و عملاً موضوع را به یک چالش تبدیل کرده است. این مقاله مبتنی بر روش پژوهش کیفی است و در پرتو واکاوی در آرای دیوان و ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، به این سؤال پاسخ می‌دهد که دیدگاه دیوان ناظر به کدام یک از حالات جواز یا عدم جواز سقط جنین است؟ نگارندگان این مقاله نتیجه می‌گیرند که دیوان نظر صریحی راجع به شناسایی سقط جنین به‌عنوان نقض حق حیات یا استثنا بر آن ندارد. دیدگاه دیوان تا سال ۲۰۱۳ به‌ویژه مبتنی بر قضیه آرتاویا موریلو و دیگران علیه کاستاریکا، بنابر دلایلی چون قائل نشدن شخصیت برای جنین و عدم حمایت از آن از لحظه لقاح از یک سو، و اولویت بخشیدن به حق حیات مادر و حق بر حریم خصوصی او از سوی دیگر، ناظر به جواز سقط جنین تحت شرایطی بوده است. اما از این سال به بعد در پرتو قضایای بناتریز علیه السالوادور و مانوئلا و دیگران علیه السالوادور، می‌توان تا حدودی تحول در رویه دیوان با هدف حمایت از حیات جنین را مشاهده کرد؛ به این صورت که به دلایلی چون ازدست ندادن حمایت دولت‌های عضو، کوشید تا به‌طور غیرمستقیم از ممنوعیت سقط جنین جز در موارد ضرورت پزشکی و در خطر بودن حیات مادر حمایت کند. البته رویکرد کلی دیوان، همچنان به میزان بیشتری دلالت بر حمایت از حق حیات مادر - و نه جنین - دارد و همین امر امکان نقض حق حیات جنین را فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: حق بر حریم خصوصی، حق حیات، دیوان بین‌المللی حقوق بشر، سقط جنین، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

DOI: 10.22034/LAW.2025.62245.3396

law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

همه انسان‌ها صرفاً از آن رو که انسان‌اند ذاتاً از یک سری حقوق با عنوان «حقوق بشر» بهره‌مند هستند که «حق حیات»^۱ بنیادی‌ترین آنها و اساس تحقق سایر حقوق انسانی است. در اهمیت این حق، همین بس که حقوق بین‌الملل آن را یک قاعده آمره شناخته و به موجب بند ۲ ماده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حتی در وضعیت‌های اضطراری عمومی که موجودیت و حیات یک ملت تهدید می‌شود نیز امکان نقض آن وجود ندارد. البته در عمل، موجبات بسیاری همچون اعدام، توسل به زور و سقط جنین، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم باعث سلب و نقض این حق یا تهدید آن را فراهم می‌سازد. حتی برخی از همین اعمال سبب ایجاد مشکلات و اختلاف نظرهایی در رویه قضایی نظام‌های حقوقی گوناگون شده است.^۲ در این میان، «سقط جنین»^۳ که رابطه مستقیمی با حق حیات دارد، مورد توجه جدی حقوق‌دانان بین‌المللی قرار گرفته است؛ به‌ویژه از این جهت که تحقق آن به دلیل عدم تعیین دقیق و واضح گستره حمایتی حق حیات و چالش نقطه آغاز حیات و معلوم نشدن این موضوع که از چه زمانی (لحظه لقاح یا بعد از آن) باید از این حق حمایت کرد، نظام‌های حقوقی را در زمینه نقض یا رعایت حق حیات جنین و مادر دچار تردید کرده است.

در علم پزشکی، سقط جنین به معنای خارج ساختن جنین قبل از زمان مقرر زایمان از رحم مادر است، به‌گونه‌ای که دیگر قابلیت زنده بودن و زندگی نداشته باشد و می‌تواند به صورت‌های گوناگون اعم از ناقص و کامل صورت گیرد. چنین اقدامی ممکن است به شکل عمدی یا غیرعمدی تحقق یابد.^۴ از دیدگاه حقوقی، سقط جنین با چهار مؤلفه شناسایی می‌شود: الف) موجود در معرض سقط، انسان باشد؛ ب) حیات داشته باشد، اعم از اینکه سالم یا بیمار باشد؛ ج) جنین به‌طور غیرعمد، به‌واسطه بیماری یا اقدام عامل خارج از رحم مادر، حیات خود را از دست

1. Right to Life

۲. محمود عباسی؛ آرین قاسمی و راحله رضایی، «تحولات رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در مواجهه با چالش‌های حق حیات: مطالعه موردی آراء بنیادین سقط جنین و مرگ خودخواسته»، حقوق پزشکی، ش ۴۱ (۱۳۹۸)، ص ۱۵۹.

3. Abortion

۴. مهدی سلیمی؛ لیلا بهرامی کوتنایی و وحید عبدی حسین‌آبادی، «سقط جنین»، کنفرانس ملی فقه و حقوق روانشناسی، (۱۳۹۵)، ص ۲؛ امیرحسین مهرگان، «سقط جنین و حقوق بشر در آینه حقوق بین‌الملل»، باروری و ناباروری، ش ۴ (۱۳۸۴)، ص ۴۳۵؛ جمال رضایی، «سقط جنین»، طب و ترکیه، ش ۵۲ (۱۳۸۳)، ص ۷۷.

بدهد؛ د) جنین در رحم مادر یا خارج از آن به دلیل نارسایی حاصل از رشد ناکافی و عدم قابلیت زیست مستقل از بین برود.^۵

قابل ذکر است که نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر نیز از این چالش‌ها و تردیدهای پیرامون سقط جنین و حق حیات دور نمانده‌اند و همواره با این سؤالات اساسی روبه‌رو بوده‌اند که آیا سقط جنین، نقض حق حیات محسوب شده، ممنوع است یا می‌تواند به‌عنوان یک استثنا بر این حق، در مواردی مجاز تلقی شود؟ آیا جنین از حق حیات برخوردار است؟ و حق حیات مادر و حق بر حریم خصوصی او مهم‌تر است یا حق حیات جنین؟ اگرچه به‌طور کلی، در قوانین دولت‌های منطقه آمریکا، حقوق بنیادین بشر و مؤلفه‌های فردگرایی نهادینه شده است و پس از تصویب کنوانسیون امریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۶۹ و مطابق بند ۱ ماده ۴ این سند، حق حیات هر شخص از سوی قانون و به‌طور کلی از «لحظه لقاح» حمایت می‌شود، اما وجود گسست‌های پارادایمی در میان همین اعضای این کنوانسیون باعث شده است تا هر کدام دیدگاه متفاوتی راجع به سقط جنین اتخاذ کنند. همچنان سقط جنین به‌عنوان موضوعی جدال‌برانگیز، مخالفان و موافقان خود را دارد و هر یک از دو گروه بنابر دلایل گوناگون اعتقادی، مذهبی و سیاسی، تلاش دارند تا دیدگاه خود را مسلط سازند و این امر بر سیاست‌ها و تصمیمات نهادهای تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز در این حوزه به‌طور جدی اثرگذار بوده است. در کنار دیدگاه نظام‌های حقوقی ملی کشورهای امریکایی، رویکرد نظام امریکایی حقوق بشر به‌عنوان یک نظام منطقه‌ای نسبت به این موضوع به جهاتی، مهم و شایسته بررسی است. در کل با اینکه قوانین داخلی بسیاری از کشورها در جهت عدم سقط جنین سازماندهی شده، اما این روند عدم توافق بر سر اجازه یا عدم اجازه سقط جنین به علت برخورداری‌اش از حق حیات، به سطح رویه قضایی و «دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر»^۶ نیز کشیده است و عملاً این نهاد آرایبی در این زمینه صادر کرده که البته در مسیر رسیدگی با چالش‌هایی مواجهه شده و بعضاً در برخی مواقع بر سر دوراهی تصمیم‌گیری در خصوص نقض یا حفظ حق حیات قرار گرفته است. آنچه نگارندگان را بر آن

۵. سید محمد حسینی و سعید رهایی، «نگاهی کارکردگرایانه به سقط جنین آزاد با تأکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر حقوق بشر»، حقوق بشر، ش ۱ (۱۴۰۱)، ص ۱۴۴؛ حسین آقایی‌نیا، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص (جنایات)، (تهران: میزان، چ ۱۱، ۱۳۹۲).

6. Inter-American Court of Human Rights (IACHR or IACtHR)

داشت که به سراغ بررسی رویکرد این دیوان نسبت به مسئله سقط جنین به‌عنوان ناقض حق حیات یا استثنا بر آن بروند، تغییری است که در رویه و دیدگاه این دیوان نسبت این موضوع در سال ۲۰۱۳ در مقایسه با قبل اتفاق افتاده است.

در کل در خصوص اثرگذاری دیوان یادشده در ترویج و ارتقای حقوق بشر منطقه آمریکا و هدایت‌گری نظام حقوقی دولت‌های عضو می‌توان به این مطلب مهم اشاره داشت که این نهاد و کنوانسیون امریکایی حقوق بشر به‌عنوان سند مبنا، در ساخت‌های جاری و تفسیرهای برگرفته از استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر نقش محوری داشته است. در منطقه‌ای با دموکراسی‌های شکست‌خورده و نقض مداوم حقوق بشر، این نهاد توانسته است از رهگذر صدور آرای قضایی، به شکل‌گیری رفتار دولت‌ها در جهت مثبت کمک شایانی کند. این دیوان شاهد تغییر پویا در «کیفیت دموکراتیک» و تعهد حاکمیت قانون در میان کشورهای عضو در طول زمان بوده است. در واقع، این نهاد و نیز کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر با استفاده از سیستم مبتنی بر دادخواست و بر پایه کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، به هزاران قربانی پاسخ داده و استانداردهایی را تعیین کرده‌اند که کم‌وبیش به اصلاحات سیاسی و حقوقی در کشورهای منطقه انجامیده است که نمونه آن را می‌توان در همین مسئله سقط جنین مشاهده کرد؛ به این صورت که دیوان در میانه تفاوت عملکرد کشورهای این منطقه و سال‌ها جدال بر سر مجاز بودن یا نبودن این امر در چالش با حق حیات توانسته است نوعی تعادل بین حق حیات مادر و جنین برقرار کند و نظام‌های حقوقی دولت‌های عضو را به سمت موافقت با رویکردی هدایت‌کننده که در آن، نه از آزادی مطلق حمایت شود و نه از ممنوعیت مطلق سقط جنین.

به هر حال، نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که سیستم‌های منطقه‌ای به‌عنوان بازیگران مرکزی در حکمرانی جهانی ظاهر شده و برای آینده حقوق بشر بین‌المللی بسیار مهم‌اند. علی‌رغم ظهور سیاست‌های ضد حقوق در منطقه، هنجارهای حقوق بشر که از سوی کنوانسیون امریکایی حقوق بشر تدوین شده و مورد تأیید و تأکید دیوان یادشده قرار گرفته، به‌طور رسمی در قوانین اساسی ملی و قوانین داخلی گنجانده شده‌اند که این امر فرصت‌های حیاتی را برای افراد و گروه‌ها مهیا می‌سازد تا بر سر حقوق بشر ادعا و مطالبه داشته باشند. رویه قضایی دیوان این امکان را برای بازیگران داخلی و فراملی حقوق بشر فراهم می‌کند تا برای

تغییر در سیستم‌های سیاسی و حقوقی داخلی خود به حاکمیت فشار بیاورند. گروه‌های حقوق بشر از رهگذر عملکرد دیوان، برای افشای نقض سیستماتیک حقوق بشر، مذاکره با نهادهای دولتی، چارچوب دادن به بحث‌های اجتماعی و سیاسی بر اساس هنجارها و رویه قضایی، ترویج منافع گروه‌های آسیب‌پذیر و تقویت دعاوی حقوق بشر در دادگاه‌های داخلی استفاده می‌کنند.^۷

حال نظر به آنچه گفته شد، در این مقاله در پرتو شناخت دیدگاه کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و برخی نظام‌های ملی منطقه آمریکا راجع به این مسئله، به تفصیل رویکرد دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر راجع به سقط جنین و تقابل آن با حق حیات و ماده ۴ کنوانسیون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. سقط جنین در نظام حقوقی دولت‌های امریکایی و کنوانسیون امریکایی حقوق بشر

از سال ۱۹۵۰ و پیش از تصویب کنوانسیون امریکایی حقوق بشر در سال ۱۹۶۹، سقط جنین به مسئله‌ای بحث‌برانگیز در میان کشورهای امریکایی تبدیل شد و همچنان نیز به‌عنوان یک چالش مطرح است که می‌توان علت آن را در تعارض قرار گرفتن چند حق بشری همچون حق حیات و حق بر حریم خصوصی در هنگام سقط و عدم تبیین ابعاد این عمل در اسناد دانست. حتی تا همین امروز نیز به علت عدم توافق در این زمینه به دلایل گوناگون پزشکی، مذهبی، اعتقادی و البته سیاسی، شاهد تقابل مخالفان و موافقان این عمل هستیم. مخالفان خود را «حامی زندگی» و حق حیات جنین دانسته و کلاً در پی ممانعت از انجام سقط بوده و موافقان از جمله جنبش‌های فمینیستی با طرف‌داری از حق حیات و حق انتخاب مادر، با وارد کردن نقدهایی به ممنوعیت سقط، خواهان مجاز اعلام کردن این عمل هستند.^۸

در امریکا، سقط جنین در سال‌های اولیه دهه ۱۹۶۰ جز در وضعیتی که جان مادر در

7. Par Engstrom, "The Impact of the Inter-American Human Rights System Beyond Latin America", in: *The Impact of the Inter-American Human Rights System: Transformations on the Ground*, Edited By: Armin von Bogdandy et al., 2024, p. 114.

۸. محمدعلی موسوی؛ هاجر عمیدیان؛ یاسر نوروزی و امیر صفری، «سیرتاریخی و روند حقوقی سقط جنین در امریکا و نقش جنبش‌های زنان در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی آن»، *تحقیقات زنان*، ش ۲ (۱۳۹۰)، ص ۱۱، ۱۴ و ۱۸.

Patricia Palacios Zuloaga, "Pushing Past the Tipping Point: Can the Inter-American System Accommodate Abortion Rights?", *Human Rights Law Review*, No.4 (2021), p. 922-923.

خطر قرار می‌گرفت، عملی نادرست، قبیح و حتی ضد دین تلقی می‌شد.^۹ پس از آن، رویه ایالات این کشور متفاوت شد و برخی سقط جنین را بنابر هر دلیلی مجاز دانستند و برخی تنها به هنگام در خطر بودن جان مادر، در طول ۱۲ هفته اول بارداری یا قبل از ۲۱ هفته بارداری فاقد ممنوعیت اعلام کردند. علی‌رغم این وضعیت و با اینکه اکثر کشورهای امریکای لاتین به‌واسطه تأثیرپذیری شیوه‌های حکمرانی‌شان از آموزه‌های کلیساهای کاتولیک و پروتستان در سطح گسترده، با مجاز بودن بدون قید و شرط سقط در هر شرایطی مخالف بودند، اما از سال ۱۹۶۰ به این سو به‌طور کلی، و از زمان تصویب کنوانسیون امریکایی حقوق بشر تا سال ۱۹۹۳ به‌طور خاص، کشورها به سمت تعیین چارچوب‌های قانونی مشخص در باب انجام یا عدم انجام سقط جنین رفتند. برای نمونه، کشورهای امریکای لاتین و کارائیب متعهد شدند که از لحظه لقاح، از زندگی قبل از تولد محافظت کنند و با اینکه بیشتر آنها مانند پرو و گواتمالا، سقط در شرایط محدود مثلاً به هنگام تجاوز منجر به بارداری و در زمان در خطر بودن حیات مادر را مجاز اعلام کردند، اما برخی چون هائیتی، السالوادور و نیکاراگوئه ممنوعیت کامل این عمل حتی در موارد سقط‌های درمانی را مصوب کردند. دسته سوم از کشورها، «سقط جنین‌های انتخابی»^{۱۰} را یا کلاً (در مورد تمام زنان) یا صرفاً در مورد کودکان باردار و زنان ناتوان ممنوع کردند.^{۱۱}

علی‌رغم تصویب قوانین متعدد در سال‌های گوناگون که نشان از شکاف عمیق میان دیدگاه موافقان و مخالفان داشت، انجام این عمل به‌طور رسمی در نظام حقوقی کشورهای امریکایی (غالباً کشورهای امریکای شمالی و لاتین) از سال ۱۹۷۳ مشروع و قانونی اعلام شد و تصمیم اتخاذشده در قضیه رو علیه وید^{۱۲} از سوی دیوان عالی امریکا سبب ایجاد حق قانونی برای سقط

9. Judith Jarvis Thomson, "A Defence of Abortion", *Philosophy and Public Affairs*, No.1 (1997), p. 49.

۱۰. سقط جنین انتخابی یعنی سقط جنین متولد نشده بنابه درخواست مادر یا به نحو دیگر که مستلزم رضایت او باشد.

۱۱. محمدعلی موسوی و همکاران، پیشین، ص ۶-۱۳؛

Ligia M De Jesus, "Abortion Latin America and the Caribbean: Adoption of the America Convention on Human", *ILSA Journal of International & Comparative Law*, No.1 (2013), p.13-42-43; Gabriela Arguedas-Ramírez, "Abortion and Human Rights in Central America", No.1 (2019), p. 11; Janet Walsh, Marianne Möllmann and Angela Heimburger, "Abortion and Human Rights: Examples from Latin America", *IDS Bulletin*, No. 3 (2008), p. 32.

۱۲. قضیه رو علیه وید در مورد شکایت جین رو (نورما مک کوروی) زنی ۲۱ ساله علیه هنری وید (دادستان منطقه دالاس) در سال ۱۹۶۹ بود که از انجام سقط در ایالت تگزاس که تنها به دلیل در خطر بودن جان مادر امکان سقط وجود داشت، منع شد و معتقد بود حق بر حریم خصوصی او نقض شده است.

جنین و به رسمیت شناختن آن و همچنین لغو بیشتر قوانین مخالف سقط جنین گردید. در پرتو رأی صادره مبنی بر عدم برخورداری جنین از شخصیت و در اولویت بودن حقوق مادر و لزوم احترام به حق و انتخاب مادر برای پایان دادن به یک بارداری ناخواسته با سقط جنین ایمن و قانونی^{۱۳}، «قانون حمایت از (آزادی) حق سقط جنین» که از آن بعضاً به نام قانون «رو» یا «رو علیه وید» نیز یاد می‌کنند، برای مدت نیم قرن اجرایی شد^{۱۴}. موضوعی که در قضیه دوو علیه بولتون در سال ۱۹۷۳ که در مورد شکایت یک زن باردار به نام «مری دو» از «آرتور کی بولتون»، دادستان وقت ایالت جورجیا، به دلیل عدم دسترسی به خدمات سقط جنین و ملزم بودن به اخذ تأییدیه‌هایی جهت سقط بود نیز تجلی یافت^{۱۵}. شایان ذکر است که طی لازم‌الاجرا بودن قانون «رو» جهت حمایت از حقوق مختلف جنین، قوانین دیگری همچون «مجموعه قوانین حمایت از کودک متولد نشده» (امریکا/ ۲۰۰۴)، «قانون سقط جنین تنها به هنگام در خطر بودن جان مادر، بارداری ناشی از تجاوز و خطر در زمان نقص جنین» (کلمبیا/ ۲۰۰۶) و «قانون منع سقط در ۱۴ ماه اول بارداری» (اروگوئه/ ۲۰۱۱) به تصویب رسید^{۱۶}.

بنابراین روند به‌گونه‌ای شکل گرفت که در کل حق قانونی سقط جنین، اجازه سقط را تصدیق و آن را مبتنی بر حق بشری «حق بر حریم خصوصی»^{۱۷} توجیه نمود. البته این اجازه بدون قید و شرط نبود و یک محدوده اجرایی را برای انجام این عمل از سوی زنان باردار مشخص می‌کرد؛ به عبارتی اجازه یادشده امکان دسترسی به هر نوع سقط، آن هم در هر زمان را فراهم نمی‌کرد و همین امر باعث شد که به تدریج رویه تغییر کند و قوانین بسیاری از کشورها در جهت عدم سقط جنین و ایجاد محدودیت برای انجام آن سازماندهی شود^{۱۸}؛ به نحوی که برای مثال در سال ۲۰۰۳ رویه قضایی امریکا به این نتیجه رسید که سقط جنین ناقص ممنوع است،

۱۳. مریم احمدی‌نژاد، «تحلیلی بر حق مادران بر سقط جنین به عنوان ناقض حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در حقوق بین‌الملل با رهیافتی اسلامی»، *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ش ۶ (۱۳۹۳)، ص ۱۲.

۱۴. محمدعلی موسوی و همکاران، پیشین، ص ۵.

15. U.S. Supreme Court, "Doe v. Bolton", 410 U.S. 179 (1973), Para. 185-192-219; Carolina J. Abboud, "Doe v. Bolton (1973)", (2017), at: <https://embryo.asu.edu/pages/doe-v-bolton-1973>

۱۶. سید مصطفی مشکات، «مطالعه سنجشی جنین‌آزاری در سامانه کیفری ایران و ایالت متحده امریکا»، *پژوهش حقوق کیفری*، ش ۲۴ (۱۳۹۷)، ص ۵۵-۵۷؛ Patricia Palacios Zuloaga, *op.cit.*, p. 908.

17. Right to Privacy

18. *Ibid.*, p.904; Ligia M De Jesus, *op.cit.*, p. 2.

مگر تنها زمانی که وجود جنین و ادامه بارداری به حیات مادر لطمه وارد کند یا سبب سلب آن گردد. به هر حال، اگرچه پس از تلاش‌های بی‌ثمر، حق قانونی سقط جنین سرانجام در سال ۲۰۲۲ از سوی دیوان عالی آمریکا به علت عدم توجه به حق سقط جنین در قانون اساسی این کشور و همچنین به دلیل اعتراضات مخالفان سقط در جهت حمایت از حیات جنین لغو شد، اما در طول مدت لازم‌الاجرا بودن، با اینکه در مناسبت‌های سیاسی گوناگون محل اختلاف و اعتراض تعداد زیادی از موافقان و مخالفان شده بود، با وجود این، تأثیر عمیقی بر قوانین ایالت‌های آمریکا در خصوص سقط جنین گذاشت؛ به گونه‌ای که به عقیده موافقان لغو آن، سبب ازبین رفتن دستاوردهای حاصل از اجرای آن در حوزه باروری شد.^{۱۹}

در کل با وجود قوانین مختلفی که در خصوص سقط جنین و با هدف کاهش ممنوعیت‌های کلی آن و مجاز اعلام کردن صرف انجام سقط‌های درمانی به‌تصویب رسید، اما به‌نظر می‌رسد آنچه در سراسر منطقه آمریکا به صورت قانونی واحد درآمده، نامشروع بودن سقط جنین است و اینکه به جهت حمایت از جنین فارغ از آنکه سبب مرگ یا آسیب به افراد بشود یا نه، عملی نادرست است و تحقق آن عواقب و مجازات‌هایی سخت جدی برای عاملانش به‌دنبال خواهد داشت.

نکته مهم اینکه فارغ از قوانین ملی کشورهای آمریکا، در سطح اسناد حقوق بشری در منطقه آمریکا، تنها کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به‌طور ضمنی به حق حیات جنین اشاره کرده است.

۱۹. محمدعلی موسوی و همکاران، پیشین، ص ۲-۴؛ تسنیم، دیوان عالی آمریکا حق سقط جنین را لغو کرد/ تجمع و درگیری معترضان به حکم، (۱۴۰۱/۴/۴)، در: <https://www.tasnimnews.com>

یکتاپرس، قانون سقط جنین در آمریکا لغو شد! مجرم! (۱۴۰۱/۴/۸)، در: <https://www.yektapress.com>

مرضیه جوادی، ماجرای قانون سقط جنین آمریکا موسوم به «رو در برابر وید» چیست؟، (۱۴۰۱/۴/۴)، در: <https://rooziato.coms>

مهدی ذوالفقاری، اسرار تغییر دیدگاه ترامپ و حمایتش از لغو «قانون آزادی سقط جنین»، (۱۳۹۵/۱۱/۱۳)، در:

<https://www.mehrnews.com>

Nafees Ahmad, "Opinion – The Right to Access Abortion is a Right to Privacy", *E-International Relations*, (2022), p. 1-2; Machteld Nijsten, *Abortion and Constitutional Law a Comparative European-American Study* (Italy: European University Institute Florence, (1990), p. 91-92; Merle H Weiner, *Roe v Wade Case (US) United States [us]*, (2016), p. 5; Planned Parenthood Action Blog, *Roe v. Wade Overturned: How the Supreme Court Let*.

Politicians Outlaw Abortion, at: <https://www.plannedparenthoodaction.org/issues/abortion/roe-v-wade>; National Women's Law Center, *Roe v. Wade and the Right to Abortion, 40th Anniversary Roe V. Wade. Fact sheet*, p. 3; C. F. Murphy, Jr, "Abortion in America", p. 131-141.

مطابق بند ۱ ماده ۴ این سند: «هر شخصی حق دارد که زندگی‌اش (حیات) محترم شمرده شود. این حق از سوی قانون و به‌طور کلی از لحظه لقاح حمایت می‌شود. هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه از زندگی خود محروم کرد».^{۲۰} برای فهم درست از این مقرر و رویکرد سند به مسئله حمایت از حق حیات جنین، لازم است که رویه دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر به‌عنوان نهاد قضایی ناظر بر اجرای این سند دانسته شود که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به‌عنوان آخرین مطلب این قسمت در باب ضمانت اجرای تصمیمات و آرای دیوان می‌توان اشاره کرد که اگرچه در این زمینه، تدابیر مشخص و دقیقی پیش‌بینی نشده است، اما دولت‌های عضو در قبال عدم انجام تعهدات تعیین‌شده و آرای صادره و همچنین در قبال تخلفات و اشتباهاتی که در این خصوص مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم از سوی نیروهای دولتی یا نیروهای خصوصی مرتکب می‌شوند، دارای مسئولیت هستند و باید پاسخگو باشند.^{۲۱} برای مثال در زمینه رعایت حق حیات، ضروری است دولت‌ها از خطرهایی که وجود دارند یا امکان حادث شدن آنها هست، اطلاع کسب کنند و اقدامات لازم را در راستای حفظ این حق از جمله تحقیقات لازم و کافی برای مشخص نمودن ناقضان انجام دهند، زیرا کوچک‌ترین اهمال و غفلت در این زمینه سبب مسئولیت آنها و بسته به شرایط، محکوم شدن به ضمانت اجرای مدنی و کیفری گوناگون اعم از مجازات یا پرداخت غرامت (جزای نقدی)، بازگرداندن شرایط به وضع سابق، ترمیم عواقب تخلفات صورت‌گرفته (به هنگام ارتکاب اعدام‌های غیرقانونی یا ناپدید شدن اجباری) و حتی جبران معنوی (مانند تهیه بنای یادبود، تهیه فیلم و مستند و ...) می‌گردد.^{۲۲}

ماده ۶۹ آیین‌نامه داخلی دیوان مشخصاً بیان می‌دارد: «نظارت بر انطباق با احکام و سایر تصمیمات دیوان از طریق ارائه گزارش‌های دولت و مشاهدات قربانیان یا نمایندگان قانونی آنها انجام می‌شود. دیوان ممکن است از سایر منابع اطلاعاتی، داده‌های مربوط به پرونده را برای ارزیابی انطباق عملکرد دولت‌ها با آن مطالبه کند. دیوان هنگامی که صلاح بداند، می‌تواند دولت و نمایندگان قربانیان را برای نظارت بر اجرای تصمیمات خود به جلسه استماع دعوت نماید».

20. American Convention on Human Rights, 1969, Art. 4(1)

21. Ludovic Hennebel, (2011). "The Inter-American Court of Human Rights: the Ambassador of Universalism", *Quebec Journal of International Law*, Special Issue, p. 65-66.

22. Jo Pasqualucci, *The Practice and Procedure of the Inter-American Court of Human Rights*, (New York: Cambridge University Press, 2003), p. 240.

براساس آنچه بیان شد، دولت‌های عضو دیوان که متخلف شناخته می‌شوند، نمی‌توانند به میل خود جبران خسارت را انجام داده، آن را به سود خود تمام کنند و به اصطلاح از اجرای کامل تعهد به جبران خسارت بگریزند. بنابراین ضمن آنکه شورای دائمی سازمان کشورهای امریکایی باید نظارت مستمر بر رویه دولت‌های عضو جهت بررسی وجود یا نبود انطباق اعمال دولت با تصمیمات دیوان داشته باشد، خود دیوان از طرق گوناگون همچون ارائه گزارش از سوی دولت مربوطه، بر اجرای آرا نظارت می‌کند.

۲. سیاست کیفری دیوان بین‌المللی حقوق بشر راجع به سقط جنین

کنکاش در آرای دیوان نشان می‌دهد که موضوع سقط جنین و حق حیات او در پرونده‌های کمی مورد توجه قرار گرفته است. نخستین بار دیوان در رسیدگی به قضیه *آرتاویا موریلو و دیگران علیه کاستاریکا* (۲۰۱۲) به این موضوع اشاره کرد. البته سال‌ها قبل از این پرونده، در سال ۱۹۷۷ «کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر»^{۲۳} در قضیه *فرزند پسر علیه ایالات متحده*^{۲۴} سقط جنین را نقض حق حیات او ندانست.^{۲۵} پس از سال ۲۰۱۲ نیز دو قضیه *بتاتریز علیه السالوادور* (۲۰۱۳) و *مانوتلا و دیگران علیه السالوادور* (۲۰۱۹) در دیوان مطرح شد. نظر به اینکه دیوان در دو قضیه اخیر، رویکرد متفاوتی نسبت به قضیه آرتاویا اتخاذ کرده است، لذا در ادامه و در دو بخش مجزا، این پرونده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

23. Inter-American Commission on Human Rights (IACHR)

۲۴. شاکیان معتقد بودند از آنجا که بچه (جنین) پسری ۲۴-۲۶ هفته‌ای بوده که در امریکا از سوی یک پزشک سقط شده و از مجازات این فرد ممانعت به عمل آمده است؛ لذا عمل سقط، نقض حق حیات طبق کنوانسیون و همچنین حکم صادره در قضیه رو علیه وید است. به ادعای آنها، بنابر ماده ۴ کنوانسیون، حق حیات از لحظه لقاح مورد حمایت قرار می‌گیرد و بنابراین اقدام صورت گرفته، عملی خودسرانه بوده است. با توسل به اصل لوتوس (مجاز بودن انجام یک عمل بدون منع قانونی)، سقط انجام شده نقض حق حیات دانسته نشده است.

IACHR, "Baby Boy v. United States", Case 2141, Inter-Am. Comm'n H.R., Report No. 23/81, OEA/Ser.L/V/II.54, doc. 9 rev.1, 2-3 (1981).

25. Ligia M De Jesus, "Revisiting Baby boy v. United States: Why the IACHR Resolution did not Effectively Undermine the Inter-American System on Human Rights Protection of the Right to Life from Conception", *Florida Journal of International Law*, No. 2 (2011), p. 7; Janet Walsh, Marianne Möllmann and Angela Heimburger, *op.cit.*, p. 31; Alvaro Paul, "Controversial Conceptions: The Unborn and the American Convention on Human Rights", *Loyola University Chicago International Law Review*, No. 2 (2012), p. 210-246.

۱.۲. دیدگاه دیوان راجع به سقط جنین قبل از ۲۰۱۳

تا پیش از سال ۲۰۱۳، نخستین و تنها پرونده مرتبط با سقط جنین در دیوان، قضیه آرناویا موریلو و دیگران علیه کاستاریکا بود. علی‌رغم اینکه دیوان در این پرونده به‌طور مستقیم و صریح در مورد سقط جنین اظهار نظر نکرده است، اما از این پرونده می‌توان به‌طور غیرمستقیم به برخی ابعاد رویکرد دیوان در این خصوص پی برد. داستان از این قرار بود که در سال ۲۰۰۱، ۹ زوج کاستاریکایی علیه دولت خود در کمیسیون بین‌امریکایی حقوق بشر شکایتی را مطرح و مدعی شدند که به‌واسطه رأی شعبه قانون اساسی دیوان عالی دادگستری این کشور در اعلام ممنوعیت استفاده از روش آزمایشگاهی IVF^{۲۶} جهت بارداری، چندین حق بشری آنها از جمله حق حیات، حق برابری قربانیان و حق بر حریم خصوصی نقض شده است. قابل ذکر است که در این روش، اسپرم مرد و تخمک زن را گرفته، در محیط آزمایشگاه در مجاورت یکدیگر قرار می‌دهند تا لقاح انجام شود و پس از دو روز جنین حاصل را وارد حفره رحم می‌کنند.^{۲۷} در پاسخ، کاستاریکا بیان می‌دارد که حق تولید مثل تابع حق حیات مطلق و قطعی است؛ به این معنا که این شیوه اگرچه امکان تولید مثل را فراهم می‌سازد، اما خطرهای آن برای حیات جنین بیش از آثار مفید آن است و بنابراین در وضعیتی که حق حیات جنین در خطر باشد، نمی‌توان اجازه بارداری داد. در واقع تولد فرزند و پذیرش امکان زندگی برای او می‌تواند به قیمت ازدست دادن جان جنین تمام شود.^{۲۸} کاستاریکا با این باور که حق حیات مندرج در ماده ۴ کنوانسیون، پیش‌فرض تحقق سایر حقوق است، اقدام خود را در انطباق با این مقررہ توصیف کرد. کمیسیون در رأی نهایی خود، بر پایه این استدلال که ماده نامبرده به دولت اختیار - و نه دستور - تنظیم حفاظت از زندگی را از لحظه لقاح می‌دهد و ماده، حق حیات مطلق و قطعی در خصوص مراحل قبل از تولد ایجاد نکرده

26. In Vitro Fertilization

این روش به معنی «بارور ساختن تخمک در آزمایشگاه» است و در آن، لقاح ساده تخمک زن با اسپرم مرد در آزمایشگاه صورت می‌گیرد. پس از لقاح، جنین را تا مرحله‌ای معین در آزمایشگاه پرورش داده، سپس این جنین را از طریق گردن رحم (سرویکس) به رحم زن وارد می‌کنند.

۲۷. محمدتقی علوی و مرتضی عزیزی، «بررسی حقوق غیر مالی کودک آزمایشگاهی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۵ (۱۳۹۱)، ص ۱۶۲.

28. Informe No. 85/10 Caso 12.361 Fondo Gretel Artavia Murillo y Otros (Fecundation in Vitro) Costa Rica 14 de Julio de 2010, Paras. 4, 32.

است^{۲۹}، به نفع خواهان‌ها نظر داد و از دولت خواست که قوانین ملی مربوطه را لغو کند. البته در پی خودداری دولت از اتخاذ اقدامات لازم، با هدف رعایت عدالت و حقوق قربانیان، پرونده در سال ۲۰۱۱ به دیوان ارجاع داده شد. نظر به اینکه در این پرونده، موضوع سقط جنین به‌طور خاص در مورد حق حیات و حق بر حریم خصوصی، مورد توجه جدی دیوان قرار گرفت؛ لذا در ادامه، موضوع در دو قسمت تبیین می‌شود.

۱.۱.۲. سقط جنین و حق حیات

در بخشی از رأی این پرونده اظهار شده است که «جنین طبیعی و آزمایشگاهی» را نمی‌توان به‌عنوان یک شخص دانست و بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون قبل از «لانه‌گزینی/ کاشت»^{۳۰} برای جنین قابل اجرا نیست؛ زیرا اصطلاح «لقاح» در این ماده، به‌عنوان لحظه‌ای درک می‌شود که در آن لانه‌گزینی اتفاق می‌افتد و از آن لحظه است که حق حیات جنین تحت حمایت قرار خواهد گرفت.^{۳۱}

دیوان به سراغ مسئله شخصیت حقوقی جنین نیز می‌رود و بیان می‌دارد که نمی‌توان جنین به‌طور کلی و جنین آزمایشگاهی به‌طور خاص را به‌منزله یک «شخص» دانست و حقوق و تکالیف یک انسان کامل را به دلیل داشتن شخصیت و اثر حقوقی بر او بار کرد؛ زیرا اولاً در بارداری به روش IVF و همچنین در بارداری طبیعی، محافظت و مراقبت نمودن چندان کارساز نیست و امکان مرگ جنین وجود دارد. ثانیاً هدف مستقیم حمایت، «اساساً زن باردار است، زیرا دفاع از جنین نیز از همین طریق انجام می‌شود»^{۳۲}. ثالثاً علاوه بر آنکه دیدگاه مدون و بااهمیت پیشینیان در سیستم بین‌المللی گواه بر این موضوع است که جنین را نباید شخص دانست،

29. IACtHR, "Artavia Murillo y Otros (Fecundación in Vitro) Vs. Costa Rica. Excepciones Preliminares, Fondo, Reparaciones y Costas", Serie C No. 257, 28 de Noviembre de 2012, Para. 163.

30. Implantation

لانه‌گزینی، نخستین مرحله ابتدایی بارداری است. در انسان، لانه‌گزینی یک تخمک بارور شده به احتمال زیاد در حدود ۹ روز و در نهایت بین ۶ و ۱۲ روز پس از تخمک‌گذاری رخ می‌دهد.

Allen J. Wilcox, et al, "Time of Implantation of the Conceptus and Loss of Pregnancy", *New England Journal of Medicine*, 23 (1999), p. 1797.

31. Caso Artavia Murillo y Otros (Fecundación in Vitro) Vs. Costa Rica, *op.cit.*, Paras.186-187-189-223 / Palacios Zuloaga, *op.cit.*, p. 905.

32. I.A.C.t.H.R. Digesto Themis, Corte Idh, Artículo 4 de la Convención Americana Sobre Derechos Humanos, p. 7.

هیچ سند بین‌المللی اعم از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی و قوانین داخلی اکثر دولت‌های عضو کنوانسیون امریکایی حقوق بشر نیز قائل به وجود شخصیت برای جنین نیستند.^{۳۳}

نظر دیوان در خصوص شخصیت نداشتن جنین، در حالی مطرح شد که پیش از آن در این خصوص نظرهای مختلفی ابراز شده بود. برای مثال، شعبه قانون اساسی دیوان عالی دادگستری کاستاریکا با توجه به نظر متخصصان در این زمینه که برخی قائل به شروع حق حیات از مرحله جنینی و لقاح، و برخی قائل به مرحله پیش‌جنینی بودند، معتقد بود از آنجا که هر شخصی فارغ از آنکه قبلاً متولد شده یا نه، دارای حق حیات است، پس جنین از لحظه لقاح (باروری تخمک) یک شخص است و نه یک جسم یا چیز. در واقع ما با یک انسان دارای حیات روبه‌رو هستیم که باید به سبب برخورداری از شخصیت، تحت حمایت حقوقی - قانونی قرار بگیرد و از حقوق انسانی بهره‌مند گردد. این شعبه در همین راستا اظهار داشت از آن رو که روش IVF با اقداماتی چون مورد آزمایش قرار دادن و منجمد کردن همراه است، لذا سبب می‌شود که این شخص تحت تعرضات غیرقانونی قرار گرفته، حیات او سلب شود؛ از این رو انجام آن ممنوع است. دولت کاستاریکا نیز بر همین نظر بود که با استناد به ماده ۴ کنوانسیون، کودک متولد نشده از لحظه لقاح دارای حق حیات است و بنابراین باید به‌مثابه یک انسان کامل با او رفتار شود و آسیب‌پذیری بیش‌ازحد او ایجاب می‌کند که او را شخصی بدانیم که باید تحت حمایت قانونی قرار بگیرد.^{۳۴}

به‌نظر می‌رسد تفسیر دیوان از ماده ۴ در این قضیه، به‌نوعی با غرض همراه بوده و در محدودترین حالت ممکن صورت گرفته است؛ زیرا به باور دیوان، هیچ تعریف توافقی از آغاز زندگی وجود ندارد و تا در بدن مادر لانه‌گزینی صورت نگیرد، جنین شانس برای زنده ماندن نخواهد داشت و بنابراین تا آن زمان نباید ماده ۴ را لازم‌الاجرا دانست. در واقع انگار به عقیده دیوان، جنین قبل و بعد از از لانه‌گزینی، دو موجود متفاوت‌اند و

33. Caso Artavia Murillo yO (Fecundación in Vitro) vs. Costa Rica, *op.cit.*, Paras. 222-223, 253-256.

34. *Ibid.*, Para. 167.

علی‌رغم نظر دیوان در سال ۲۰۱۲، کمیسیونر «اورلانا» در انتهای حکم صادر شده در قضیه *بئاتریز علیه السالوادور* به‌عنوان مخالف با استناد به گفته قاضی «گروسی» بیان داشت که عدم صحبت از حق سقط جنین در ماده ۴ بدون منظور نبوده و این یعنی دیوان جنین را شخص و او را مستحق زندگی می‌دانسته است؛ چنان‌که در قضایایی او را به عنوان کودک (یک انسان) مورد شناسایی قرار داده یا در قضایایی دیگر با وحشیانه خواندن عمل سقط، بر نقض حیات او تأکید کرده است.

CIDH, Informe No.9/20 caso 13.378 Iinform de Fondo Beatriz el Salvador, 3 March 2020, p. 53-54.

پس از آن به یک «شخص» تبدیل می‌شود. این درحالی است که به نظر دانشمندان این حوزه، جنین در تمام مدت حضورش در رحم مادر، جنین است و شخصیت جدیدی پیدا نمی‌کند. دیوان همچنین عبارت «به‌طور کلی از لحظه لقاح»^{۳۵} مندرج در ماده ۴ را نادرست دانست و آن را این‌چنین تحلیل کرد که بسته به مرحله فیزیکی کودک متولد نشده، فقط باید حفاظت تدریجی و افزایشی به تناسب میزان رشد از زندگی او صورت پذیرد. از همین عبارت می‌توان متوجه شد که دولت‌های عضو کنوانسیون، ماده ۴ را به‌عنوان ممنوعیت سقط جنین انتخابی در اکثر موارد تفسیر می‌کنند و دیوان حداقل تحت برخی شرایط، سقط جنین را به‌طور ضمنی مجاز دانسته است؛ آن‌هم به این علت که عبارت «به‌طور کلی» در ماده، یعنی این حق مطلق و بدون قید و شرط نیست و به‌عبارتی تحت حمایت کامل قرار دادن حق حیات جنین، سبب سلب سایر حقوق انسانی مادر می‌شود.

با این تفاسیر، اگرچه مورد توجه قرار گرفتن مرحله لانه‌گزینی تا حدودی نشان از حمایت از حیات جنین از سوی دیوان دارد، اما رأی صادره اولاً تا حد زیادی ناظر به حمایت از مادران و حقوق آنها است؛ به نحوی که سبب گردید به ممنوعیت ده‌ساله باروری آزمایشگاهی در کاستاریکا پایان داده شود و این نشان‌دهنده پیشرفت مهمی در حفاظت از خودمختاری و آزادی زایشی زنان است.^{۳۶} ثانیاً حکم به مجاز بودن استفاده از روش IVF، تقسیم حیات جنین به دو دوره قبل و بعد از لانه‌گزینی و بیان صریح اینکه جنین شخص نیست، گویای این است که دیوان حق حیات را برای جنین آن‌هم «به‌طور کلی از لحظه لقاح» مطابق صراحت ماده ۴ قائل نشده است. این ماده اولاً دلالت بر حمایت از جنین از لحظه لقاح دارد و ثانیاً جنین در هر مرحله وجودی که قرار داشته باشد، حیات دارد و حسب قوانین بین‌المللی در زمینه حق حیات، امکان سلب حیات او در هیچ زمانی (جدای از وضعیت‌های خاص پزشکی) نه به صورت اجبار (تهدید و خشونت) و نه به صورت اختیار (رضایت مادر، مشکلات خانوادگی و ...) وجود ندارد. تفسیر دیوان

35. In General, from the Moment of Conception

36. Ligia M De Jesus, "The Inter-American Court on Human Rights' Judgment in *Artavia Murillo v. Costa Rica* and Its Implications for the Creation of Abortion Rights in the Inter-American System of Human Rights", No. 255 (2014), p. 226-227-248; Teresinha Teles Pires, "Procreative Autonomy, Gender Equality and the Right to Life: the Inter-American Court of Human Rights Decision in *Artoya*", No. 3 (2017), p. 1008.

از عبارت «به‌طور کلی» سبب می‌شود تا حیات کودکان متولد نشده به‌طور کامل تحت حمایت قرار نگیرد و در نتیجه تعهدی در این زمینه بر دوش دولت‌ها گذاشته نشود. از این رو، به‌نظر می‌رسد می‌توان به جای ارائه یک تفسیر مضیق که سبب شود سقط جنین در هر زمانی بنا بر دلایلی چون در خطر بودن جان مادر یا سهل‌انگاری توجیه گردد، ماده ۴ به صورت موسع‌تری تفسیر شود تا با جنین همانند یک انسان زنده قبل متولد شدن برخورد گردد و بتوان در جهت حفظ حق حیات او و عدم امکان سلب آن (مگر در شرایط اضطراری و ویژه) گام برداشت. همچنین می‌توان به‌واسطه تعیین تعهدات مناسب در این حوزه و مجازات عاملان سقط جنین اجباری و اختیاری، مانع از آن شد که حق حیات جنین دستمایه انتخاب افراد قرار گیرد. هرچند نباید عملکرد دولت‌هایی چون امریکا و کانادا را که به دلیل مخالفت با چنین چیزی، خواهان قانونی نمودن سقط جنین در قوانین داخلی خود و عدم تصویب کنوانسیون امریکایی حقوق بشر هستند، از نظر دور داشت.

۲.۱.۲. سقط جنین و حق بر حریم خصوصی

در قضیه آرناویا موریلو و دیگران علیه کاستاریکا، علاوه بر مسئله حق حیات، موضوع تقابل و چالش سقط جنین با حق بر حریم خصوصی مادر نیز مطرح شد؛ چراکه در موضوع سقط جنین، این حق، ارتباط ویژه و ناگسستنی با حق حیات پیدا می‌کند و بررسی آن ضرورت می‌یابد. شاکیان پرونده، منع انجام IVF از سوی دولت کاستاریکا را ناقض «حق بر حریم خصوصی»^{۳۷} در ماده ۱۱ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر دانسته و بر این عقیده بودند که باید این ممنوعیت رفع شود. ابتدا کمیسیون بین‌امریکایی حقوق بشر با توجه به قضیه فرزند پسر علیه ایالات متحده، ادعای شاکیان را صحیح دانست. کمیسیون معتقد بود که دولت موظف است از مداخله خودسرانه در حق بر حریم خصوصی جلوگیری کند. به باور این نهاد، اگرچه کاشت جنین موضوعی اجتماعی است و صرفاً خصوصی نیست، اما در جاهایی که دولت محدودیت‌های شدیدی ایجاد می‌کند، امکان تصمیم‌گیری را درباره موضوعات مربوط به زندگی خصوصی و خانوادگی و استفاده از حق تشکیل خانواده مطابق میل و آرزوی افراد از بین می‌برد.^{۳۸} به عقیده کمیسیون، ممنوعیت مطلق عمل

37. Right to Privacy

38. Informe No. 85/10 Caso 12.361, *op.cit.*, Paras. 115-116.

لقاح آزمایشگاهی، مداخله خودسرانه و محدودیتی ناسازگار با کنوانسیون امریکایی حقوق بشر در مورد استفاده از حق زندگی خانوادگی و تشکیل خانواده است.^{۳۹}

دیوان نیز پس از بررسی‌های متعدد، ضمن تأیید دیدگاه کمیسیون، اشعار داشت که استقلال مادران باردار در زمینه سقط جنین از آن رو که ارتباط بسیار نزدیکی با حق بر حریم خصوصی دارد، بنابراین مداخله در این امر سبب محدود ساختن شیوه زندگی خصوصی و خانوادگی آنها می‌شود.^{۴۰} به اعتقاد این نهاد، اگرچه حق بر حریم خصوصی یک حق مطلق نیست و می‌تواند از سوی دولت محدود شود، اما اعمال محدودیت نباید به صورت توهین‌آمیز و خودسرانه صورت گیرد. دیوان با حمایت از حق استقلال و حریم خصوصی در زمینه بارداری زنان که سقط یکی از وسیله‌های تجلی آن است، بیان کرد که زنان باید به خدمات بهداشتی لازم در این زمینه دسترسی داشته باشند، زیرا در دسترس نبودن مراقبت‌های بهداشتی باروری و فناوری پزشکی لازم و موردنیاز برای مادران باردار، حقوق بر حریم خصوصی، آزادی باروری و سلامت جسمی و روانی را به خطر می‌اندازد و دارای آثار منفی برای زنان باردار است.^{۴۱} مبتنی بر این استدلال، دیوان اقدام دولت کاستاریکا در ممنوعیت استفاده از روش IVF را مصداق دخالت خودسرانه در زندگی خصوصی و خانوادگی افراد دانست و رأی به لغو این ممنوعیت داد.

دیوان همچنین استدلال می‌کند که زنان قادرند در خصوص فرزندانشان، نحوه بچه‌دار شدن و تعداد آنها تصمیم‌گیری کنند و اگر امکاناتی که زنان می‌توانند از طریق آنها باردار شوند، محدود گردد، نه تنها زنان تحت تأثیر عوارض بد این اقدام قرار می‌گیرند، بلکه حق بر تصمیم‌گیری آنها در این زمینه نقض و باعث ایجاد تبعیض میان زنان نابارور و بارور می‌شود. درحالی که مخالفان در این موارد، بدون توجه به پیوستگی و ارتباط بسیار زیاد میان حق بر تشکیل خانواده و حق بر حریم خصوصی، بدون توجه به حق دوم، قائل‌اند که حق بر تشکیل خانواده همچنان نقض نشده

39. *Ibid.*, Para.111.

40. Joanna Erdman, J.D and Rebecca J. Cook, J.D. J.S.D., F.R.S.C., "The Interpretation of Article4(1) of the American Convention on Human Rights Consistently with the Human Rights of Women", *International Programme on Reproductive and Sexual Health Law, University of Toronto*, (2005), p. 6; Misch Gureghian Hall, "Abortion Rights in International Law: The Inter-American Human Rights System and a Post-Roe v. Wade America", *UCLA Undergraduate Law Journal*, (2022), p. 80.

41. Misch Gureghian Hall, *op.cit.*; CIDH, Informe No.9/20 Caso 13.378 Informe de Fondo Beatriz el Salvador, 3 March 2020, p. 25.

است؛ زیرا زوجها می‌توانند با أخذ سرپرستی کودک از بهزیستی، بچه‌دار شوند^{۴۲}. البته ناگفته نماند که پیش از آنکه دیوان در قضیه یادشده به این موضوع واکنش نشان دهد، ماده ۱ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر (۱۹۴۸) بیان داشت: «هر انسانی حق حیات، آزادی، امنیت و تمامیت شخصی خود را دارد». به نوعی می‌توان این برداشت را از ماده داشت که زن باردار از آن رو که دارای حق حیات، آزادی و تمامیت شخصی و حریم خصوصی است، پس قادر است در مورد بارداری خود تصمیم‌گیری کند.

شایان ذکر است که دیدگاه دیوان و اینکه مجاز بودن سقط جنین به معنای احترام به حق بر حریم خصوصی مادر است، موافقان و مخالفانی دارد. بنابر باور گروهی که غالباً «فمینیست‌ها»، مدافعان حقوق زن و سقط را شامل می‌شوند، عمل سقط جنین باید در نظام‌های حقوقی گوناگون وجود داشته باشد و زنان باید بتوانند در خصوص وضع بارداری و تولید مثل خود تصمیم‌گیری کنند؛ زیرا اولاً نمی‌توان زن را مجبور به اقدامی کرد که سبب بی‌توجهی به حق‌های بشری او به‌عنوان یک فرد انسانی بشود. ثانیاً ممنوعیت اجرای آن و بی‌نصیب بودن زنان از دسترسی به خدمات سقط جنین به‌طور مجانی، به معنای نقض حق حریم خصوصی خواهد بود. بر این اساس، زن باید بدون منع قانونی به خدمات سقط دسترسی داشته باشد. این نظر اگرچه در امریکا، به‌ویژه در رویه دیوان عالی این کشور تا سال ۲۰۲۲ تا حد زیادی مورد توجه قرار گرفت و سقط به‌عنوان یک حق شناسایی شد، اما وجود نظر مخالف سبب کاسته شدن از محبوبیت این دیدگاه گردید^{۴۳}.

مخالفان و حامیان حق زندگی اعتقاد دارند که قائل شدن حق سقط برای مادر باردار بنابر حق بر حریم خصوصی، باعث می‌شود: الف) به‌طور کامل و دقیق از حق حیات جنین حمایت نشود؛ ب) نسبت به عوارض سقط و درد و رنج‌های پس از آن برای مادر به‌خصوص درد و ناراحتی زنان مجبور به بارداری که هیچ اراده‌ای در این زمینه ندارند، بی‌توجهی صورت گیرد و اکثر قریب به اتفاق مادران، هر زمان که بخواهند از روی خودخواهی اقدام به سقط می‌کنند که این درست نیست و عملی غیراخلاقی است و ج) آزاد بودن سقط که عدم دخالت دولت در این زمینه را

42. Misch Gureghian Hall, *op.cit.*, p. 73-75.; Simona Fanni, "The Protection of the Right to Life at the Intersection between Reproductive Rights and Scientific Progress in the Jurisprudence of the Inter-American Court of Human Rights and the European Court of Human Rights", *Araucaria*, No. 40 (2018), p. 697.

43. Nafees Ahmad, *op.cit.*, p. 1; Patricia Palacios Zuloaga, *op.cit.*, p. 902-904-905-920-933.

به‌همراه دارد، موجب نادیده گرفته شدن وضعیت افراد فقیر مایل به سقط و عدم حمایت از آنها می‌شود.^{۴۴} در توضیح و تحلیل دیدگاه موافقان، می‌توان گفت که ایراد اول آنها به علت اعتقاد این گروه به این موضوع است که سقط جنین کشتن یک انسان کامل شمرده می‌شود؛ موضوعی که اتفاقاً به دلیل مسلم بودن این قضیه که حفظ زندگی در تمام نظام‌های حقوق بشری اساس و اولویت است، تا حد زیادی از سوی نظام حقوق امریکایی نیز پذیرفته شده است. در واقع، دیدگاه حامیان حق حیات که مخالف سقط هستند تا حد زیادی در رویگردان شدن دولت‌های امریکایی از طرف‌داران نظریه انتخاب و اختیار تأثیر داشته است؛ چنان‌که در حال حاضر کشورهای امریکای لاتین بیشتر به علت حاکم بودن رویکرد دینی-مذهبی و سنت‌گرایی، نظریه آزاد بودن سقط جنین با هدف احترام به حق بر حریم خصوصی را قبول ندارند. در خصوص ایراد دوم و سوم هم باید گفت که اگرچه از باب حق حیات جنین، دیدگاه موافقان می‌تواند درست باشد، اما از سوی دیگر باید توجه داشت که مخالفت با سقط جنین و غیرقانونی اعلام کردن آن سبب تعرض و مداخله در حوزه انتخاب زنان باردار می‌شود. باید توجه داشت که اجبار در ادامه دادن بارداری، به‌ویژه به هنگام آزاد بودن عمل سقط، سبب ایجاد درد و ناراحتی برای زن باردار و همچنین نادیده گرفتن حق حیات و حق بر حریم خصوصی او می‌شود. این دیدگاه زمانی تقویت می‌شود که بدانیم اساساً در کشورهایی چون امریکا، نظام حقوقی در صدد حمایت از چنین زنانی برنمی‌آید و این عدم حمایت به‌مراتب با رشد جنین در شکم مادر و تولد او سبب بیشتر شدن درد و رنج جسمانی و روانی مادر می‌شود.

در یک جمع‌بندی از مطالب مطروحه در باب رأی دیوان در قضیه *آرتاویا موریلو*، می‌توان بیان داشت که دیوان در این قضیه، بنابر اولویت بخشیدن به حق حیات مادر نسبت به حق حیات جنین و همچنین حق بر حریم خصوصی او، سقط جنین را حتی در موارد غیرپزشکی و وضعیت ضرورت-البته صرفاً بر اساس تصمیم مادر-مجاز دانسته است. در واقع دیوان در پرتو نظریه انتخاب و مبتنی بر این موضوع که زنان باید در این زمینه با آزادی و اختیار تصمیم‌گیری کنند، به‌نوعی بحث بارداری را به خود زنان واگذار کرده و از توجه کافی و وافی به حق حیات جنین خودداری نموده است. نکته مهم اینکه حتی تا آن زمان، تعدادی از اعضای دیوان هم تمایل

44. Marlene Gerber Fried, "Abortion in the United States: Barriers to Access", *Journal of Health and Human Rights*, No. 2 (2000), p. 179; Nihal Jayawickrama, *The Judicial Application of Human Right Law*, (United Kingdom: Cambridge University Press, 2002), p. 246.

چندانی به حمایت درست و قانونی از حق حیات جنین حتی بر اساس ماده ۴ نداشتند. البته این وضعیت استمرار نیافت و با طرح قضایای *بئاتریز علیه السالوادور* و *مانوتلا* و دیگران علیه *السالوادور*، شاهد آن هستیم که تا حدودی رویه دیوان به سمت به رسمیت شناختن حق حیات جنین (اعم از جنین طبیعی و آزمایشگاهی) و محدود کردن سقط جنین به موارد استثنایی و تحت شرایط خاص سوق یافت که در مباحث آتی خواهد آمد.

۲.۲. دیدگاه دیوان راجع به سقط جنین بعد از ۲۰۱۳

در این قسمت، دو قضیه *بئاتریز علیه السالوادور* و *مانوتلا* و دیگران علیه *السالوادور* مورد بررسی قرار می‌گیرند. پرونده نخست، مربوط به زن ۲۰ ساله‌ای به نام «بئاتریز» است که پس از تولد فرزند اول در سال ۲۰۱۲، پزشکان به او توصیه کردند که به دلیل بیماری و وضعیت جسمانی‌اش، امکان بارداری مجدد را ندارد. البته در فوریه ۲۰۱۳ تشخیص داده شد او به مدت ۱۱ هفته باردار است و وضعیت او به علت ابتلا جنین به «آنسفال»^{۴۵}، خطرناک تشخیص داده شد. با اینکه او خواستار انجام سقط درمانی برای حفظ حیات خود شد، اما چون این اقدام در قانون *السالوادور* ممنوع بود، به او چنین اجازه‌ای داده نشد. اقدامی که موجب شد جنین به فاصله ۵ ساعت بعد از سزارین، به دلیل نداشتن جمجمه فوت کند. با توجه به خطرهایی که *بئاتریز* با آنها روبه‌رو بود، کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر در ۲۹ آوریل ۲۰۱۳ از *السالوادور* خواست با هدف حفاظت از جان و سلامت *بئاتریز*، اقدامات لازم را انجام دهد.^{۴۶} همچنین کمیسیون بر اساس مواد ۶۳ (بند ۲) کنوانسیون و ۲۷ مقررات داخلی دیوان، از این نهاد خواست تا اقدام موقتی انجام دهد. دیوان نیز در ۲۹ می ۲۰۱۳ از *السالوادور* درخواست کرد که فوراً تمام تصمیمات لازم و مؤثر را اتخاذ نماید تا از ایراد آسیب غیرقابل جبران به زندگی و سلامت *بئاتریز* جلوگیری شود.^{۴۷}

45. Anencephaly

آنسفال نوعی مشکل مادرزادی است و زمانی اتفاق می‌افتد که مغز، جمجمه و پوست سر نوزاد در رحم رشد نمی‌کند.

46. I.A.C.H.R., *Caso Beatriz y Otros vs El Salvador*, 2013, p. 1.; IACHR (IACHR Takes Case Involving El Salvador's Absolute Ban on Abortion to the Inter-American Court of Human Rights): https://www.oas.org/en/iachr/jsForm/?File=/en/iachr/media_center/preleases/2022/011.asp; CIDH, Informe No.9/20 caso 13.378 Iinform de fondo beatriz el Salvador, 3 March 2020: para. 55

47. I.A.C.H. t. R., *Resolucion de la Corte Inter Americana de Derechos Humanos, Medidas Provisionales Respect de el Salvador-Asunto, de 29 de Mayo de 2013*, Para.1. CIDH, Informe No.9/20 Caso 13.378 Iinform de Fondo Beatriz el Salvador, 3 March 2020: Para. 71.

دیوان در اقدام موقت خود، با توجه به بیماری جنین و در خطر بودن جان مادر، معتقد بود که علی‌رغم اینکه به استناد نظر انستیتوی پزشکی قانونی امکان سقط به‌خصوص در سه ماهه دوم بارداری وجود ندارد، اما سقط جنین بنا بر ضرورت و جدی بودن وضعیت خطرناک مادر (هرچند در سه ماهه دوم بارداری) امری مجاز و فوری بوده است.^{۴۸} از این مطلب می‌توان فهمید که دیوان سقط جنین را استثنائاً در موارد ضرورت پزشکی و با هدف حفظ حیات مادر مجاز دانسته و در سایر موارد، ارزش حق حیات مادر و جنین را یکسان شمرده و سقط را ناقض حق حیات جنین دانسته است.

قضیه به اینجا ختم نشد، در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۳ دعوایی در همین زمینه در کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر طرح و گفته شد که ممنوعیت قانونی سقط به‌موقع در السالوادور، باعث شده است حق زندگی تمامیت شخصی و سلامتی بتاتریز به‌خطر بیفتد و مادر متحمل آسیب‌ها و دردهای عاطفی و روحی شود. همچنین اشاره شد که در زمان بارداری، دولت راه‌حل مناسب جهت وضعیت خطرناک مادر در نظر نگرفته و در کل حقوق متعدد بتاتریز نقض شده است.^{۴۹} در مقابل، دولت اظهار داشت که تصمیم گرفته‌شده بر اساس قوانین جاری این کشور بوده است. بتاتریز در زمان بارداری در وضعیت باثباتی قرار داشت و قانون اساسی حیات یکی را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد و از مادر و جنین، یکسان حمایت می‌کند. کمیسیون در پرتو توجه به قوانین داخلی السالوادور و نیز در نظر گرفتن دیدگاه‌های کمیته حقوق بشر (۲۰۱۰)، کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی (۲۰۱۴)، گزارشگر سازمان ملل در مورد خشونت علیه زنان (۲۰۱۱) و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (۲۰۱۷)، قائل به این نظر بود که ممنوعیت مطلق سقط جنین سبب ایجاد عواقب جدی برای حیات مادران باردار و مرگ‌ومیر آنها می‌شود.^{۵۰} همچنین کمیسیون به شکست السالوادور در ارائه راه‌حل مؤثر برای قربانی اذعان کرد و دولت را مسئول نقض حق زندگی، تمامیت شخصی، تضمین‌های قضایی، حریم خصوصی، برابری در مقابل قانون، حمایت قضایی و حق سلامتی مادر، مندرج در کنوانسیون دانست.^{۵۱} سرانجام

48. Caso Beatriz y Otros vs El Salvador, *op.cit.*, Paras. 11-12, 16.

49. CIDH, Informe No. 9/20 Caso 13.378 Informe de Fondo Beatriz el Salvador, 3 March 2020, Paras. 1, 3-6.

50. *Ibid.*, Paras.13, 30.

51. *Ibid.*, Para. 214.

کمیسیون در ۵ ژانویه ۲۰۲۲ پرونده را به دیوان ارسال و درخواست کرد که این دولت مسئول نقض حقوق یادشده شناخته شود.^{۵۲}

دیگر پرونده قابل بررسی، قضیه مانوئلا و دیگران علیه السالوادور است. فردی بنام مانوئلا در سال ۲۰۰۸ در هفته ۱۸ بارداری، هنگامی که با فرزند خود مشغول شستن لباس در رودخانه بود، سقوط کرد و لگن او آسیب دید. وی به دلیل خونریزی و بیهوشی به بیمارستان منتقل شد که پزشک او را متهم به سقط کرد و شکایتی علیه او تنظیم شد. پس از بازداشت، مانوئلا در دادگاه به ۳۰ سال زندان به علت قتل محکوم شد. در زندان مبتلا به سرطان شد و به دلیل عدم دریافت خدمات درمانی لازم در ۳۰ آوریل ۲۰۱۰ فوت کرد.^{۵۳} در ۲۱ مارس ۲۰۱۲ درخواستی در زمینه رسیدگی به این قضیه تسلیم کمیسیون بین‌امریکایی حقوق بشر شد. کمیسیون پس از بررسی موضوع، رأی به نقض برخی مواد کنوانسیون - از جمله ماده ۴ - از سوی دولت السالوادور داد.^{۵۴} در راستای تحقق عدالت و پرداخت غرامت و با توجه به عدم انجام توصیه‌های کمیسیون از جانب دولت، پرونده در ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۹ به دیوان ارجاع داده شد. پس از رسیدگی‌های لازم، دیوان کم‌کاری و اشتباهات بسیاری را در زمینه عدم ارائه مراقب‌های بهداشتی لازم به مانوئلا مورد شناسایی قرار داد و بیان داشت مواردی چون عدم انجام معاینات لازم در بیمارستان جهت بررسی سلامتی مانوئلا و عدم اتخاذ تدابیر مقتضی برای درمان پزشکی وی سبب شده است که تعهد دولت در زمینه تضمین حق حیات افراد نقض شود. دیوان السالوادور را مسئول نقض حق‌های بشری متعدد مانوئلا و مواد ۴ تا ۸، ۱۱ و ۲۴ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر دانست و دولت را موظف به پرداخت غرامت کرد.^{۵۵}

با بررسی دو قضیه پیش‌گفته می‌توان متوجه شد که اگرچه دستور موقت و آرای کمیسیون و دیوان، ناظر به لزوم اصلاح قوانین سقط جنین در السالوادور بوده، اما از موضوع ممنوعیت سقط جنین و جرم‌انگاری آن در قوانین داخلی این کشور سخنی به‌میان نیامده است. در واقع، به‌نظر

۵۲. پرونده در حال رسیدگی در دیوان است.

53. IACHR, "Report On Merits Manuela and Family el Salvador", Report No. 153/18 Case 13.069, December 7, 2018, Paras. 8-9, 12, 14 / I.A.C.H.R., Case of Manuela et al.v.el Salvador, 2 November 2021, Paras. 50-51-57, 83, 88.

54. REPORT No. 153/18 CASE 13.069, *op.cit.*, Para. 28.

55. I.A.C.H.R. Case of Manuela et al.v. el Salvador, *op.cit.*, Paras. 3-4-5, 245.

می‌رسد دیوان به دلیل ترس از دست دادن حمایت دولت‌های آمریکایی که اکثراً با سقط جنین مخالفاند و همچنین مبتنی بر رویکرد سیاسی و عقیدتی سنتی که با این اقدام مخالفت دارد، عمداً به سمت اتخاذ رویه‌ای حرکت کرده است که نتیجه آن، خدشه به اصل ممنوعیت سقط جنین در جهت حمایت از حق حیات جنین نباشد. البته به باور برخی، چنین رویکردی سبب هدر رفتن فرصت حمایت از آزادی سقط جنین می‌شود.^{۵۶} در کل به نظر می‌رسد با توجه به عدم اتخاذ موضع صریح و مشخص دیوان در خصوص قوانین ممنوعیت سقط جنین در السالوادور و نیز بر پایه دیدگاه جداگانه قاضی «ادواردو ویو گروسی» مبنی بر عدم شناسایی مستقیم عمل سقط به عنوان یک حق از سوی دیوان^{۵۷}، می‌توان قائل به این شد که دیوان با اتخاذ چنین رویکردی، خواسته یا ناخواسته، به صورت غیرمستقیم و ضمنی، شخصیت حقوقی جنین و حق حیات او را مورد شناسایی قرار داده و از ممنوعیت سقط حمایت کرده است.

نتیجه

یافته‌های این پژوهش حکایت از این دارد که علی‌رغم اینکه از ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر این‌گونه استنباط می‌شود که دولت‌ها باید از لحظه لقاح بدون در نظر گرفتن مرحله رشد، از کودک متولد نشده حمایت کامل - و نه تدریجی - کنند و حقوق باروری زن باید حمایت شود، اما انعکاس روند عدم توافق بر سر اجازه یا عدم اجازه سقط به علت حق حیات جنین، در رویه دیوان بین‌المللی حقوق بشر سبب شده است که در ابتدا این نهاد تأیید نکند که جنین حق حیات دارد؛ هرچند معتقد بود که بعضی از حمایت‌ها باید نسبت به جنین صورت بگیرد و در شرایط حاد و استثنایی باید بین حق حیات او و مادر تعادل برقرار شود. در واقع دیوان با تفسیر مضیق ماده ۴، به صراحت بیان کرد که جنین شخص نیست و برخلاف مقررۀ یادشده، از لحظه لقاح حق حیات ندارد؛ رویکردی که البته پایدار نماند و دیوان از سال ۲۰۱۳ به تدریج به سمت قائل شدن حق حیات برای جنین و منع سقط جنین گام برداشته است.

56. Rebecca Smyth, "Abortion in International Human Rights Law: Missed Opportunities in *Manuela v El Salvador*", *Feminist Legal Studies*, (2022-2023), p. 1; Lea Bilke, "Abortion in Latin America Through the Lens of the IACtHR", (2022), at: <https://voelkerrechtsblog.org/abortion-in-latin-america-through-the-lens-of-the-iacthr/>

57. Partially Dissenting Opinion of Judge Eduardo Vio, *Case of Manuela et al. v. el Salvador 2021*, p. 6.

مشخصاً دیوان بین‌امریکایی حقوق بشر نیز همانند بسیاری دیگر از نظام‌های حقوقی ملی و دیوان اروپایی حقوق بشر، همچنان با این چالش حقوقی مهم روبه‌رو است که اساساً در موضوع سقط جنین، حق حیات مادر یا جنین، کدام‌یک بر دیگری اولویت دارد. در کل می‌توان از سیر استدلالی و حرکتی دیوان این‌گونه برداشت کرد که این نهاد ترجیح داده است که برخلاف رویکرد خود تا سال ۲۰۱۳، نگاه ویژه‌تری به حق حیات جنین داشته باشد و شخصیت حقوقی برای آن قائل شود. عوامل مختلفی از جمله رویکرد سیاسی - عقیدتی سنتی حاکم بر جوامع امریکایی و مخالفت اکثریت دولت‌های امریکایی با سقط جنین، جز در موارد پزشکی و ضرورت حفظ حیات مادر، در این امر دخیل بوده‌اند. البته دیوان در میانه این اختلاف نظرها و رویه، همچنان غلبه و اولویت را با حق حیات مادر - و نه حق حیات جنین - می‌داند. ذکر این نکته لازم است که اگرچه ماده ۴ باید به‌گونه‌ای تفسیر شود که حق حیات جنین تأمین و حمایت گردد، اما از آن رو که حمایت از حیات جنین ارتباط تنگاتنگی با حقوق و آزادی‌های زنان دارد، بنابراین نباید به‌گونه‌ای تحلیل و تفسیر شود که به تحت فشار قرار گرفتن مادران باردار و به‌خطر انداختن سلامتی و جان آنها منجر گردد. پس باید حمایت از زندگی جنین به نحوی در راستای حمایت و تضمین حقوق زنان توسعه یابد؛ موضوع مهمی که می‌توان آن را از ابراز عقیده دیوان متوجه شد، مبنی بر اینکه دولت‌ها باید از زنان باردار حمایت ویژه‌ای به‌عمل آورند و با ارائه خدمات لازم همچون مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، هم در جهت حفظ جان مادر و هم در جهت حفظ حیات جنین از آغاز دوره بارداری بکوشند.

در مجموع به‌نظر می‌رسد علی‌رغم این واقعیت که کنوانسیون امریکایی حقوق بشر به‌صراحت کشورها را ملزم به حفاظت از زندگی انسان متولدشده کرده است، اما تحولات دیرینه و اخیر در رویه قضایی کمیسیون و دیوان قویاً نشان می‌دهد که نظام امریکایی حقوق بشر می‌تواند از این ادعا که جرم‌انگاری سقط جنین نقض کنوانسیون امریکایی حقوق بشر است، حمایت کند. در واقع، نظام امریکایی حقوق بشر با محوریت دیوان تلاش می‌کند خود را قادر به فراتر رفتن از پارادایم زندگی / انتخاب نشان دهد و به درک حقوق جنسی و تولید مثلی نزدیک‌تر شود که بخشی از مفهوم گسترده‌تر

عدالت باروری را تشکیل می‌دهد.

مطلب پایانی اینکه به نظر می‌رسد دیوان نیز در موافقت با رویکرد اغلب نظام‌های حقوقی ملی و نیز دیوان اروپایی حقوق بشر مبنی بر ایجاد نوعی تعادل بین حق حیات مادر و جنین، سعی دارد که راه میانه‌ای را برگزیند؛ به این صورت که نه از آزادی مطلق حمایت کند و نه از ممنوعیت مطلق سقط؛ زیرا مادر و جنین، هر دو انسان و شایستهٔ برخورداری از حق حیات بدون هیچ ارجحیتی هستند. در کل، دیوان به سمت اتخاذ رویه‌ای حرکت کرده است که نتیجهٔ آن، خدشه به اصل ممنوعیت سقط جنین در جهت حمایت از حق حیات جنین نباشد. نشانه‌های این رویکرد را می‌توان در الزام کشورهای عضو به اتخاذ اقداماتی چون بهبود مراقبت‌های قبل و بعد زایمان، ارائهٔ تغذیهٔ مناسب و بهبود خدمات مامایی مشاهده کرد. چنین الزاماتی نشان از اثرگذاری رویه و عملکرد دیوان بر نظام‌های حقوقی ملی دولت‌های عضو دارد. مشخصاً به نظر می‌رسد کشورهای عضو متأثر از رویهٔ دیوان به سوی به رسمیت شناختن حق حیات جنین (اعم از جنین طبیعی و آزمایشگاهی) و محدود کردن سقط جنین به موارد استثنایی و تحت شرایط خاص حرکت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتابها

۱. آقای نی، حسین (۱۳۹۲). *حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص (جنایات)*. تهران: میزان.

- مقالات

۲. احمدی نژاد، مریم (۱۳۹۳). تحلیلی بر حق مادران بر سقط جنین به عنوان ناقض حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در حقوق بین الملل با رهیافتی اسلامی. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۳ (۶)، ۳۳-۹.

۳. علوی، محمدتقی و عزیزی، مرتضی (۱۳۹۱). بررسی حقوق غیر مالی کودک آزمایشگاهی. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۳ (۵) ۱۵۹-۱۹۳.

۴. حسینی، سیدمحمد و رهایی، سعید (۱۴۰۱). نگاهی کارکردگرایانه به سقط جنین آزاد با تأکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر حقوق بشر. *حقوق بشر*، ۱۷ (۱)، ۱۴۱-۱۶۴.

Doi: 10.22096/hr.2023.529256.1311

۵. رضایی، جمال (۱۳۸۳). سقط جنین. *طب و تزکیه*، (۵۲)، ۷۴-۸۴.

۶. سلیمی، مهدی؛ بهرامی کوتنایی، لیلا و عبدی حسین آبادی، وحید (۱۳۹۵). سقط جنین. *کنفرانس ملی فقه و حقوق، روانشناسی*. ۱-۱۳.

۷. عباسی، محمود؛ قاسمی، آرین و رضایی، راحله (۱۳۹۸). تحولات رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در مواجهه با چالش‌های حق حیات: مطالعه موردی آراء بنیادین سقط جنین و مرگ خودخواسته. *حقوق پزشکی*، ۱۳ (۴۸)، ۱۵۷-۱۸۴.

۸. مهرگان، امیرحسین (۱۳۸۴). سقط جنین و حقوق بشر در آینه حقوق بین الملل. *باروری و ناباروری*، ۶ (۴)، ۴۱۰-۴۴۰.

۹. مشکات، سید مصطفی (۱۳۹۷). مطالعه سنجشی جنین‌آزاری در سامانه کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا. *پژوهش حقوق کیفری*، ۷ (۲۴)، ۳۷-۶۵.

Doi:10.22054/jclr.2018.24029.1465

۱۰. موسوی، محمدعلی؛ عمیدیان، هاجر؛ نوروزی، یاسر و صفری، امیر (۱۳۹۰). سیر تاریخی و روند حقوقی سقط جنین در آمریکا و نقش جنبشهای زنان در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی آن. *تحقیقات زنان*، ۵ (۲)، ۱-۳۲.

– سایت‌های اینترنتی

۱۱. جوادی، مرضیه (۱۴۰۱/۴/۴). ماجرای قانون سقط جنین آمریکا موسوم به «رو در برابر وید» چیست؟. در:

<https://rooziato.com/1401396033/what-is-abortion-law-and-has-it-been-overturned-in-us/>

۱۲. خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱/۴/۴). دیوان عالی آمریکا حق سقط جنین را لغو کرد/ تجمع و درگیری معترضان به حکم. در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401>

۱۳. ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۵/۱۱/۱۳). اسرار تغییر دیدگاه ترامپ و حمایتش از لغو «قانون آزادی سقط جنین». در: <https://www.mehrnews.com/news/3892320>

۱۴. یکتاپرس (۱۴۰۱/۴/۸). قانون سقط جنین در آمریکا لغو شد! مجرم!. در: <https://www.yektapress.com/fa/news/90048>

ب) منابع انگلیسی

- Books

15. Jayawickrama, N (2002). *The Judicial Application of Human Right Law*. United Kingdom: Cambridge University Press.
16. Nijsten, M (1990). *Abortion and Constitutional Law A Comparative European-American Study*. Italy: European University Institute Florence.
17. Pasqualucci, J (2003). *The Practice and Procedure of the inter-American Court of Human Rights*. New York: Cambridge University Press.

- Articles

18. Ahmad, N (2022). Opinion – The Right to Access Abortion is a Right to Privacy, *E-International Relations*, 1-3.
19. Abboud, C. J. (2017). Doe v. Bolton, at: <https://embryo.asu.edu/pages/doe-v-bolton-1973>.
20. Bilke, L (2022). Abortion in Latin America Through the Lens of the IACtHR, at: <https://voelkerrechtsblog.org/abortion-in-latin-america-through-the-lens-of-the-iacthr/>
21. Erdman, J, J. Cook, R (2005). The Interpretation of Article 4 (1) of the American Convention on Human Rights Consistently with the Human Rights of Women, *International Programme on Reproductive and Sexual Health Law, University of Toronto*, 1-20.
22. Engstrom, P (2024). The Impact of the Inter-American Human Rights System Beyond Latin America, in: *The Impact of the Inter-American Human Rights System: Transformations on the Ground*, Edited By: Armin Von Bogdandy et al, 100-121.
23. Fanni, S (2018). The Protection of the Right to Life at the Intersection between Reproductive Rights and Scientific Progress in the Jurisprudence of the Inter-American Court of Human Rights and the European Court of Human Rights. *Araucaria*, 20 (40), 655-732.
24. Gureghian Hall, M (2022). Abortion Rights in International Law: The Inter-American Human Rights System and a Post-Roe v. Wade America. *UCLA Undergraduate Law Journal*, (21), 63-89.
25. Gerber Fried, M (2000). Abortion in the United States: Barriers to Access. *Journal of Health and Human Rights*, 4 (2), 174-194.
26. Hennebel, L (2011). The Inter-American Court of Human Rights: the Ambassador of Universalism. *Quebec Journal of International Law*, Special Issue, 57-97.
27. H Weiner, Merle (2016). Roe v Wade Case (US) United States [us], 1-15.
28. M De Jesus, L (2013). Abortion Latin America and the Caribbean:

- Adoption of the America Convention on Human, *ILSA Journal of International & Comparative Law*, 20 (1), 1-47.
29. M De Jesus, L (2014). The Inter-American Court on Human Rights' Judgment in *Artavia Murillo v. Costa Rica* and Its Implications for the Creation of Abortion Rights in the Inter-American System of Human Rights. *Oregon Review of International Law*, 16 (225), 225-249.
30. M De Jesus, L (2011). Revisiting *Baby Boy v. United States*: Why the IACHR Resolution did not Effectively Undermine the Inter-American System on Human Rights Protection of the Right to Life From Conception, *Florida Journal of International Law*, 23 (2), 1-56.
31. Murphy, Jr.C.F. Abortion in America, 131-141.
32. National Women's Law Center. *Roe v. Wade* and the Right to Abortion, *40th Anniversary Roe V. Wade. Fact Sheet*, 1-3
33. Palacios Zuloaga, P (2021). Pushing Past the Tipping Point: Can the Inter-American System Accommodate Abortion Rights?. *Human Rights Law Review*, 899-934. Doi:10.1093/hrlr/ngab014
34. paul, A (2012). Controversial Conceptions: The Unborn and the American Convention on Human Rights . *Loyola University Chicago International Law Review*, 9 (2), 209-247.
35. Pires, T. T (2017). Procreative Autonomy, Gender Equality and the Right to Life: the Inter-American Court of Human Rights Decision in *Artoya*. *Revista Direito GV*, 13 (3), 1008-1028.
36. Ramírez, G. A (2019). Abortion and Human Rights in Central America. *Janus Head*, 17 (1), 9-43.
37. Smyth, R (2022-2023). Abortion in International Human Rights Law: Missed Opportunities in *Manuela v El Salvador*. *Feminist Legal Studies*, 1-12.
38. Thomson, J. J (1971). A defence of Abortion. *Philosophy and Public Affairs*, 1 (1), 47-66.

39. Wilcox, A.J., Baird D.D. and Weinberg C.R. (1999). Time of Implantation of the Conceptus and Loss of Pregnancy. *New England Journal of Medicine*, 340 (23), 1796-1799.
Doi: 10.1056/NEJM199906103402304
40. Walsh, J, Møllmann, M, Heimburger, A (2008). Abortion and Human Rights: Examples from Latin America, *IDS Bulletin*, 39 (3), 28-39.
Doi: 10.1111/j.1759-5436.2008.tb00459.x

- Documentants

41. American Convention on Human Rights, 1969.
42. CIDH, Informe No.9/20 Caso13.378 Informe de Fondo Beatriz el Salvador, 3 March 2020.
43. Informe No. 85/10 Caso 12.361 Fondo Gretel Artavia Murillo y Otros (Fecundación in Vitro) Costa Rica 14 de Julio de 2010.
44. I.A.C.t.H.R. Digesto Themis, Corte idh, Artículo 4 de la Convención Americana sobre Derechos Humanos, at: [https://www.corteidh.or.-cr/cf/themis/digesto/digesto.cfm](https://www.corteidh.or.cr/cf/themis/digesto/digesto.cfm)
45. IACHR, “Report on Merits Manuela and Family el Salvador”, Report No. 153/18 CASE 13.069, December 7, 2018.

- Jurisprudence

46. I.A.C.t.H.R, “Artavia Murillo y Otros (Fecundación in Vitro) Vs.Costa Rica. Excepciones Preliminares, Fondo, Reparaciones y Costas”, Serie C No.257, 28 de Noviembre de 2012.
47. I.A.C.H.R, Caso Beatriz y Otros vs El Salvador, 2013.
48. I.A.C.H. t, R., Resolucion de la Corte Inter Americana de Derechos Humanos, Medidas Provisionales Respect de el Salvador-Asunto, de 29 de Mayo de 2013.
49. I.A.C.H.R, Case of Manuela et al.v.el Salvador, 2 November, 2021.
50. Partially Dissenting Opinion of Judge Eduardo Vio, Case of Manuela et al. v. el Salvador 2021.
51. I.A.C.H.R.Baby Boy v. United States, Case 2141, Inter-Am.Comm’n H.R,Report No.23/81,OEA/ Ser.L/V/II.54, Doc.9 Rev.1, 2–3(1981).

52. Comunidad Indígena Sawhoyamaya vs. Paraguay. Fondo, Reparaciones y Costas. Sentencia de 29 de Marzo de 2006. Serie C No.146.I.A.C.t.H.R.
 53. E.C.H.R. Case of Boso v. Italy (50490/99), Decision (Final), Reports of Judgments and Decisions 2002-VII.
 54. E.C.H.R. Case of Vo v. France (53924/00), Judgment (Merits), Reports of Judgments and Decisions 2004.
 55. I.A.C.t.H.R. Case of Manuela et al. v. el Salvador, 2 November 2021.
 56. I.A.C.t.H.R. Xakmok Kasek Indigenous Cmty. v. Paraguay, Merits, Reparations, and Costs, Judgment, InterAm. Ct.H.R. (ser. C) No.214 (Aug. 24, 2010).
 57. U.S. Supreme Court, “Doe v. Bolton”, 410 U.S. 179 (1973).
- Websites**
58. Planned Parenthood Action Blog. Roe v. Wade Overturned: How the Supreme Court Let Politicians Outlaw Abortion. at:
<https://www.plannedparenthoodaction.org/issues/abortion/roe-v-wade/-roe-v-wade-behind-case-established-legal-right-abortion>